دیپلمات

روابط ایران و روسیه همچنان پویا و پر تحرک

سفیر ایران در مسکو با بیان اینکه در شرایط فشارها و تهدیدها روابط ایران و روسیه همچنان پویا و پر تحرک است، از برگزاری نشست کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و روسیه در هفته جاری خبر داد.

مهدی سنایی افزود: این هفته همایش بزرگ همکاری ایران و قفقاز شمالی و اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی با حضور دو وزیر روس و هیأت تجاری بیش از ۲۰۰ نفره به میزبانی وزیر نیرو به عنوان رئیس این کمیسیون در تهران و اصفهان برگزار می‌شود. پانزدهمین اجلاس کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایران و فدراسیون روسیه و دومین همایش تجاری ایران و منطقه قفقاز شمالی از صبح امروزبه مدت سه روز با حضور مقام‌ها و فعالان بخش خصوصی و دولتی دو کشور در شهرهای تهران و اصفهان برگزار می‌شود.روسیه شریک راهبردی ایران است و روابط گسترده‌ای با ایران دارد. **فارس**

دیدگاه

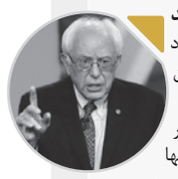

آمریکا حمله به نفتکش‌ها را بهانه جنگ با ایران قرار ندهد

نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا هشدار داد که واشنگتن نباید حادثه اخیر در دریای عمان را بهانه‌ای برای جنگ با ایران قرار دهد.

برنی سندرز ضمن انتقاد از واکنش مقامات دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در مقصر جلوه دادن ایران در حادثه دریای عمان گفت: حمله به ایران نه تنها غیرقانونی است بلکه یک فاجعه کامل برای آمریکا، ایران، منطقه و جهان خواهد بود.

منابع خبری صبح پنجشنبه (۲۳ خرداد) از وقوع دو انفجار مهیب در دریای عمان خبر داده بودند. طبق گزارش‌ها، دو نفتکش در این حادثه دچار حریق شدند که یکی نفتکش فرانت آلتر با پرچم جزایر مارشال متعلق به نروژ بوده است که از قطر اتانول بارگیری کرده و دومی کُکوکا کوریجس با پرچم پاناما از الجبیل عربستان به مقصد سنگاپور بوده است که محموله متانول بارگیری کرده بود. **تسنیم**

معادله

برای حل مسائل مربوط به ایران هیچ راهی جز برجام نیست

رئیس جمهوری روسیه در سخنرانی خود در تاجیکستان تاکید کرد که برای حل و فصل مسائل حول و حوش ایران راهی به جز برجام نیست.

ولادیمیرپوتین افزود: مسکو قصد دارد برجام را در ارتباط با مساله هسته‌ای ایران به صورت مستحکم پیگیری کند و هیچ راه حل دیگر برای آن متصور نیست.

وی در ادامه درباره بحران سوریه نیز خواستار پیدا شدن یک راه حل سیاسی برای این بحران شد و تاکید کرد که باید زمینه بازگشت سوریهای پناهجو به وطنشان را تسهیل کنیم. وی تصریح کرد که تضمین ثبات در آسیا ممکن نیست مگر اینکه جهان بحران‌های موجود را از طریق گفت‌وگو و ایجاد علیه تروریسم حل و فصل کند.گفتنی است؛ جمهوری اسلامی ایران در چارچوب توافق نامه برجام به تمام تعهدات خود عمل کرده است اما تاکنون سه کشور اروپایی به هیچ تعهدی عمل نکرده است. **صداوسیما**

کارشناس مسائل سیاست خارجی مطرح کرد:

بی‌اختیاری برخی دولت‌ها در مناسبات با تهران

سفرهای دیپلماتیک این روزها نباید زیاد جدی گرفته شود

هدی دهقان بذرافشان
hoda.bazrafshan@gmail.com

پرونده

درحالی این روزها برخی مقامات سیاسی و دیپلماتیک اروپا و آسیا و کشورهای حوزه خلیج فارس با هدف میانجیگری میان ایران و آمریکا و البته اهداف دیگری همچون گسترش مناسبات با تهران به کشورمان سفر می‌کنند که کاملا در نوعی بی‌اختیاری تنها پیام رسان دولتی استکباری هستند اما، آنچه مسلم است حرکت رو به جلوی جمهوری اسلامی در زمینه‌های موفقیت‌های منطقه‌ای، کسب جایگاه قابل قبول بین المللی و وحدت و انسجام داخلی که می‌تواند با استقلال کامل در مقابل نظام سلطه و آمریکای مغرور به اهداف خویش دست یابد.

دکتر سیدرضا صدرالحسینی کارشناس مسائل سیاست خارجی درخصوص رفت و آمدهای اخیر برخی کشورها در طول دو ماه گذشته گفت: تاکنون جمهوری اسلامی ایران میزبان تعدادی از مسئولان دستگاه سیاست خارجی کشورهای همسایه،اروپایی و آسیایی بوده است و این نشان از منزوی نبودن و فعال بودن سیاست خارجی ایران است و در حقیقت می‌توان گفت نوعی شکست برای کشورمتخاصم، متجاوز و سلطه گر آمریکا محسوب می‌گردد که با وقاحت تمام به دنبال منزوی کردن ملت و دولت ایران بوده است.

وی افزود: بسیاری از مردم و علاقه مندان به اقتدار و سربلندی ایران اسلامی در طول چند سال گذشته نگران این موضوع بودند که اقدامات و تحرکات گوناگون آمریکا که به همراه عملیات پر شدت رسانه‌ای همراه بوده است شاید بتواند این کشور را در منزوی کردن ایران موفق داشته و تا حدودی ایران منزوی گردد اما، با افزایش مسئولان آمریکایی و ایجاد معاونتی در وزارت خزانه داری این کشور و گسترش تلاش‌های دو وزارت خانه خارجه و خزانه داری در کنار تلاش‌های بی‌وقفه شبانه روزی جان بولتن که در طول عمر ۴۰ساله خدمت خویش به جز دشمنی با ملت و نظام ایران هیچ اقدام قابل توجهی در پرونده کاری وی وجود ندارد خوشبختانه آگاهی و گرایش کشورهای مختلف از ۵قاره جهان حتی از دوستان و همپیمانان آمریکا به جمهوری اسلامی ایران افزایش یافته و در یک جمله باید گفت تیر آمریکا در حوزه سیاست خارجی علیه ملت ایران به سنگ خورده است و بدون اغراق باید گفت ترکش‌های این تیر نیز به این کشور و مقامات سیاسی آن نیز برخورد نموده است.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: با توجه واقعیت‌های موجود در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید اذعان داشت حضور دو مقام بلند پایه از دو کشور صنعتی اروپایی و آسیایی از چند منظر قابل بررسی می‌باشد، اول اینکه کشورهای دوست و همپیمان آمریکا که امروز در قالب اتحادیه اروپا شناخته می‌شوند و مخالف خروج آمریکا از برجام بوده‌اند حاضر به انجام این ماموریت نبوده و دو کشور شکست خورده در جنگ دوم جهانی که همه سیاست‌های خارجی خویش را بر اساس نقشه و فرمان آمریکا انجام می‌دهند حاضر شدند ماموریتی سخیف برای این کشورو به منظور تحمیل اراده آمریکا به ملت ایران انجام دهند؛ باعث تاسف است که دو کشور آلمان و ژاپن که در حوزه اقتصادی و تکنولوژی در جهان امروز شناخته شده هستند اقدامی را که با درصد بالایی احتمال عدم موفقیت آن از قبل از انجام ماموریت توسط آنان مشخص بود و پاسخ ملت ایران به آنان تا حدودی زیادی معلوم بود این اقدام بی‌نتیجه را انجام داده و برای چندمین بار ثابت شد آنان اختیاری از خود نداشته و اعتبار خویش را برای کشوری متجاوز و جنایتکار همچون آمریکا خرج نموده‌اند.

به باور صدرالحسینی؛ در دیدار آقای آبه با مقام معظم رهبری، معظم له صریح ترین و قاطع ترین راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بیان نمودند و حرکت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در دو وجه داخلی و خارجی مجدد ترسیم و برای همه جهان مشخص شد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اصول و ارزش‌های اعتقادی و انقلابی و با توجه ویژه به منافع ملی تعیین می‌گردد.

این استاد دانشگاه بیان داشت: بیان صریح اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نه فقط به مقامات ژاپنی بلکه به همه سیاستمداران و کارگزاران سیاست خارجی، داخلی، منطقه‌ای و بین المللی بود و در راس همه آنها دستگاه سیاست خارجی آمریکا و شخص ترامپ پیام معظم له را دریافت نموده و برای چندمین بار متوجه واقعیت‌های موجود در اصول سیاست خارجی ایران اسلامی شدند.

وی گفت: واکنش‌های رسانه‌های منطقه‌ای و بین المللی به خوبی این را نشان می‌دهد که صراحت لهجه قاطعیت استدلال عقلانیت گفتار و چهره پدرانه رهبر معظم انقلاب در مقابل نخست‌وزیر ژاپن حاکی از عمق این سیاست‌ها و اصول می‌باشد حتی نوع برخورد با مقامات جمهوری اسلامی ایران در روز بعد از این دیدار در اجلاس سیکا این واقعیت را به خوبی بر ناظران آگاه سیاست خارجی واضح و آشکار نمود، آن جایی که رهبر معظم انقلاب از بدعهدی‌ها و عهد شکنی روسای جمهور آمریکا مواردی را ذکر کردند و متذکر شدند حتی حاضر به پذیرش پیام ترامپ و پاسخ به وی نیستند، این جملات در حالی بیان شد که معظم له اعلام نمودند شما(نخست‌وزیر ژاپن) مهمان ما هستید ما شما را گرامی می‌داریم و البته گله هم از شما داریم که در حال حاضر ضرورتی به بیان این گله مندی نیست و پس از این بیانات بخشی از پلیدی آمریکا را بر شمردند و ابراز داشتند متاسفانه شما اختیاری از خویش نداشته اما، این مطالب برای ابراز به شما ضرورت دارد. صدرالحسینی اظهارداشت: علی رغم اینکه بخش‌هایی از صحبت‌های ۵۰دقیقه‌ای رهبر انقلاب در بعضی از رسانه‌های خارجی سانسور شده بود اما، تعدادی از فرهیختگان ژاپنی که توانسته بودند به طرق گوناگون فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی را مشاهده نمایند از ۷۵ سال وابستگی به سیاست خارجی آمریکا در توییت و یادداشت‌های خود ابراز تاسف نموده و ازاستقلال و عزت ایرانی به نیکی یاد نموده‌اند.

وی خاطرنشان کرد: مقامات آمریکا در شرایط کنونی به مذاکره با مقامات ایران اسلامی نیاز ضروری داشته و بر این اساس تعدادی از مقامات سیاسی و دیپلماتیک اروپا و آسیا و کشورهای حوزه خلیج فارس را به صف نموده تا برای میانجیگری و برآورده کردن این نیاز مقامات آمریکایی همه تلاش خویش را در ضمن بی‌اختبار بودن کامل فرش نموده تا شاید بتوانند مشکل مقامات فعلی آمریکا را در انتخابات آینده حل نمایند اما، آنچه مسلم است حرکت رو به جلوی جمهوری اسلامی در زمینه‌های موفقیت‌های منطقه‌ای، کسب جایگاه قابل قبول بین المللی و وحدت و انسجام داخلی و در مسیر حل مشکلات اقتصادی خویش جایگاه ملت ایران را در حد و اندازه‌ای قرار داده است که می‌تواند با استقلال کامل در مقابل نظام سلطه و آمریکای مغرور به اهداف خویش نزدیک نماید.

کارشناس مسائل بین الملل:

ایران با تغییر زمین بازی می‌تواند ترامپ را مجبور به عقب‌نشینی کند

نمای نزدیک

گفت و گو

با خروجی دور از انتظار سفرهای دیپلماتیک هفته گذشته هایکو ماس، وزیر امور خارجه آلمان و به ویژه آبه شینزو، نخست‌وزیر ژاپن در ایران اکنون بسیاری از کارشناسان تنش ایران و ایالات متحده را در نقطه حساسی می‌دانند که می‌تواند آبستن هر اتفاقی در آینده باشد. اما به واقع دلیل یا دلایل عدم توفیق این تلاش‌های چه بود؟ دیپلماسی ایرانی برای بررسی این مسئله، گفت‌وگویی را با احد رضاییان قیه باشی دانشجوی پسا دکترای آینده پژوهی دانشگاه تهران و کارشناس مسائل بین الملل صورت داده است که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

نظر می‌رسد آلمان و ژاپن در سایه حضور خود در تهران تنها و تنها نقش حامل پیام از ایالات متحده به ایران را ایفا کرده‌اند؛ ارزیابی شما در این خصوص و عدم توفیق لازم این رفت‌و آمدهای دیپلماتیک میانجیگرایانه چیست؟

بحث میانجی ناپذیر بودن تنش نیست، بلکه شرایط حکایت از برنامه ریز دقیق آمریکا در خصوص اعزام هیات‌های دیپلماتیک به تهران دارد. برای پی بردن به این برنامه ریزی باید در رابطه با سفر هایکو ماس، وزیر امور خارجه آلمان و آبه شینزو، نخست‌وزیر ژاپن یک سناریولوژی دقیق را به کار بست تا بتوان با بررسی سناریوهای احتمالی ابتدا به ساکن دلیل حضور این افراد و تلاش‌های میانجیگرایانه آنها و نیز دلایل عدم توفیق این تلاش‌ها را روشن کرد. در این سناریولوژی چهار کلان سناریو مطرح است؛ سناریوی اول که یک سناریوی خوشبینانه است بر این واقعیت تاکید دارد که اساسا سفرهای دیپلماتیک هفته گذشته با نیت کاهش تنش در مناسبات جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا صورت گرفته است که در این صورت هم باز شرایط به نفع کاخ سفید است، چرا که کاهش شدت و تخاصم با تهران به معنای چراغ سبز ایران برای نشستن پای میز مذاکره با ایالات متحده آمریکاست و این همان چیزی است که دونالد ترامپ از ۱۸ اردیبهشت سال گذشته تا به امروز به دنبال آن است. از طرف دیگر کاهش تخاصم برای کشورهای مانند آلمان و ژاپن به معنای عدم تهدید منافع و مواضع ایالات متحده آمریکا در منطقه است. چرا که از دیدگاه توکیو و برلین عدم تشدید تنش و تخاصم به معنای این است که تهران دست به اقدامات واکنشی در برابر زورگویی‌ها و تحریم‌های یک جانبه واشنگتن نزند.

سناریوی دوم بیشتر برای تحولات داخلی ایالات متحده آمریکا کاربرد دارد. فعالیت‌های دیپلماتیک محمد جواد ظریف، به خصوص در حوزه دیپلماسی عمومی و مصاحبه ایی که با رسانه‌های آمریکایی در خاک این کشور انجام داد، سبب شد که جریان و حزب دموکرات حملات و انتقادات گسترده‌ای به سیاست‌های دونالد ترامپ، به ویژه در قبال پرونده ایران شکل دهند و به تبع آن افکار عمومی داخلی ایالات متحده آمریکا را به این سمت و سو بکشانند که دونالد ترامپ با یک ادبیات به شدت ناپخته و به دور از هرگونه عرف دیپلماتیک سخن از جنگ و تنش با ایران و تحمیل هزینه بر آمریکا می‌زند، در حالی که روسای جمهور پیشین مانند رونالد ریگان و بوش پسر که سیاست های جنگ افروزانه ای هم داشتند با ادبیات دیپلماتیک و مطابق با عرف سیاسی– امنیتی، ذیل مبانی امنیت ملی آمریکا، شرایط را برای زمینه سازی در خصوص هرگونه اقدام نظامی آماده می‌کردند. از این رو دونالد ترامپ و تیم وی در کاخ سفید سعی کرد برای تقابل با این نگاه یک ژست دیپلماتیک را در خصوص پرونده ایران به کار برد و با اعزام آبه شینزو، نخست‌وزیر ژاپن نشان دهد که کاخ سفید به دنبال جنگ افروزی با ایران نیست. بلکه به دنبال گفت‌وگو و مذاکره با تهران است و در این راستا حتی اقدام به اعزام هیات های دیپلماتیک از دیگر کشورهای جهان برای کاهش تنش هم داشته است.

سناریوی سوم به مظلوم‌نمایی ایالات متحده آمریکا در عرصه بین الملل تاکید دارد. در این راستا کاخ سفید سعی کرده است در سطح جهانی و افکار عمومی دنیا این گونه القا کند که ایالات متحده آمریکا از هرگونه اقدام دیپلماتیک برای کاهش تنش، حتی اعزام شخصیت‌ها و هیات‌های سیاسی دریغ نکرده است، اما در مقابل، نه تنها ایران این تلاش‌ها را نادیده گرفته و مخالف هرگونه مذاکره با ایالات متحده آمریکا است که حتی شرایط را برای ناامن کردن منطقه با انفجار دو نفتکش در دریای عمان شکل داده است.

اما در سناریوی چهارم که بیشتر برای مصرف داخلی جمهوری اسلامی ایران است، آمریکا سعی دارد این گونه نشان دهد که از هیچ گونه اقدام و تلاشی برای مذاکرات بدون پیش‌شرط با ایران دریغ نکرده است، اما تهران به جای مذاکره درصدد افزایش تنش با کاخ سفید است. این نکته زمانی معنا و اهمیت پیدا می‌کند که طبق بیانیه شورای امنیت ایالات متحده آمریکا ادبیات و نوع رفتارهای دونالد ترامپ، جان بولتون و مایک پمپئو سبب شده است نوعی اتحاد و انسجام در میان اقشار و گروه‌های سیاسی داخلی ایران، حتی منتقدین نظام جمهوری اسلامی ایران شکل گیرد و این مطلوب نگاه کاخ سفید نیست. لذا در این سناریو یک نمایش دیپلماتیک به منظور ایجاد انشعاب و گسل جدی میان طیف های سیاسی داخلی ایران با سفر هایکو ماس و آبه شکل گرفت.

پس از نگاه شما سفر هایکو ماس، وزیر امور خارجه آلمان و آبه شینزو، نخست‌وزیر ژاپن یک سناریوی از پیش طراحی شده است و ارزش دیپلماتیک ندارد؟

در این خصوص یقیناً باید یکی از این چهار سناریو مطرح شده را در نظر گرفت که به اعتقاد من سناریوی اول در این رابطه بسیار کمرنگ است. از این رو من بر خلاف نگاه و دیدگاه بسیاری از کارشناسان معتقدم سفرهای دیپلماتیک هفته گذشته به تهران، به خصوص سفر آبه یک سفر مهم و جدی دیپلماتیک نبود، چرا که از یک سو آبه شینزو شخصیتی نیست که بخواهد در چارچوب تلاش‌های دیپلماتیک میانجیگرایانه به دنبال کاهش تنش در روابط ایران و آمریکا باشد. چرا که در میان شخصیت های دیپلماتیک جهانی کم نیستند کسانی که توان و مدیریت به مراتب بالاتری از نخست‌وزیر ژاپن در این رابطه داشته باشند. از طرف دیگر اگر شما به سفر ۴۸ ساعته نخست‌وزیر ژاپن دقت کنید می‌بینید که توکیو هیچ برنامه‌ای برای این سفر نداشت و تنها آبه شینزو حامل پیامی از طرف دونالد ترامپ برای ایران بود که این مسئله می توانست از طریق هر کس دیگری انجام شود. اما زمانی که دونالد ترامپ از شخصیت موجهی مانند آبه شینزو استفاده ابزاری می کند، تنها این پیام را می‌رساند که کاخ سفید به دنبال بهره‌برداری‌های شخصی خود از سفر نخست‌وزیر ژاپن در قالب سه سناریوی پایانی که با آن اشاره کردم است. لذا اگر نخواهم بدبینانه به سفرهای وزیر امور خارجه آلمان و نخست‌وزیر ژاپن نگاه کنم در نهایت باید آن را یک نمایش سیاسی از طرف ایالات متحده آمریکا بدانم.

در تقابل با نگاه شما بعد از سفر وزیر امور خارجه آلمان شاهد صدور بیانیه‌ای مشترک از جانب تروئیکای اتحادیه اروپا در حمایت کامل از برجام و تلاش برای عملیاتی کردن این اولین گام اینستکس هستیم و در این خصوص هم طبق اخبار قرار است که خانم هلگا اشمید، معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بعد از هایکو ماس سفری به ایران داشته باشد؛ ارزیابی شما در این خصوص چیست؛ آیا این دست تحرکات در تقابل با نگاه شما قرار ندارد؟

این تحرکات بیشتر اجرای سیاست یک بام و دو هوای اروپا را مانند یک سال گذشته نشان می دهد. در این یک سالی که دونالد ترامپ از برجام خارج شده است، کم نبوده است بیانیه ها و مواضع سیاسی و دیپلماتیک قاره سبز در حمایت از برجام و در این مدت تلاش هایی هم برای عملیاتی شدن اینستکس صورت گرفت، اما هیچ کدام در حوزه عملیاتی رنگ واقعیت به خود نگرفتند. اتفاقاً این دست تحرکات نشان از هوشمندی قاره سبز می‌دهد، چرا که اروپا از یک سو با این مواضع و تحرکات سعی می کند وجهه دیپلماتیک خود را در سطح جهانی با پایبندی به تعهدات برجامی حفظ کند و در آن سو با این دست اقدامات سعی می‌کنند از ورود تهران به گام دوم که افزایش سطح غنی سازی است، جلوگیری کنند. در این راستا به نظر من اگر چه اروپایی‌ها نهایت تلاش خود را برای عملیاتی کردن اینستکس به کار می‌برند، اما شرایط را به گونه‌ای مدیریت می‌کنند که در افکار عمومی جهانی خود را از هرگونه اتهامی مبرا کنند و این گونه القا کنند که تلاش‌های خود را علیرغم تمامی محدودیت‌ها و فشارهای آمریکا برای پایبندی به تعهدات برجامیشان انجام داده اند، اما ایران با اقدامات یک جانبه خود مانند ایالات متحده توافق هسته‌ای را نقض کرد.

چنانی که ما در مواضع هایکو ماس، وزیر امور خارجه آلمان در جریان سفرش به تهران شاهد این دست مواضع بودیم. اما در یک سناریوی خوشبینانه می توان این گونه هم گفت که اروپا به دنبال فعال کردن اینستکس است که در ان صورت باز هم شرایط در نهایت به سود قاره سبز خواهد بود. چرا که آنها خود را ناجی برجام معرفی خواهند کرد ولی در کل به نظر من اکنون آلمان، فرانسه و انگلستان در یک برنامه ریزی دقیق به دنبال مدیریت شرایط میان تهران و واشنگتن هستند. پس آمریکا در چهار سناریو مطرح شده و اتحادیه اروپا در دو سناریوی ذکر شده به دنبال تحت فشار قرار دادن ایران هستند. چون بعد از سفر محمدجواد ظریف به آمریکا و به راه افتادن موج انتقادات سیاسی دموکرات‌ها و افکار عمومی داخلی نسبت به ادبیات و رفتار کاخ سفید در خصوص پرونده ایران و پاسخ گویی مقامات دولت ترامپ به سنا اکنون هوشمندی خاصی در مواضع این افراد دیده می‌شود و شرایط سبب شده است تا دونالد ترامپ و دیگر مقامات واشنگتن رجعت جدی را به سیاست‌های سنتی آمریکا در خصوص ایران هراسی داشته باشند.

با این تفاسیر آمریکا در نهایت ۴ سناریوی مطرح شده از جانب شما به دنبال چیست؛ آیا کاخ سفید با اجرای این سناریوها و پیگیری پروسه ایران هراسی به دنبال تنش نظامی با تهران است؟

خیر دونالد ترامپ سعی می‌کند حتی الامکان از تنش نظامی با ایران دوری گزیند ولی در عین حال رئیس جمهوری امریکا سعی دارد در جریان رقابت های انتخاباتی ریاست جمهوری سال آتی میلادی یک وجه مثبت از خود در حوزه سیاست خارجی، به خصوص در قبال پرونده ایران نشان دهد و در این راستا این گونه القا کند که با خروج از برجام و اعمال تحریم‌ها توانسته است تهران را از هرگونه فرصت برای دستیابی به قدرت هسته ای دور کند و به موازاتش نیز در این مدت از هرگونه تلاش دیپلماتیک برای مذاکره، حتی مذاکره بدون پیش شرط هم دریغ نکرده است.

در این راستا مواضع و نگاه جمهوری اسلامی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من اکنون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با سکانداری محمد جواد ظریف از نوعی هوشمندی برخوردار است و اگر نگاه تهران از این سیاست خارج نشود، یقیناً دست آمریکا برای تقابل با ایران بسته خواهد بود. علیرغم اینکه من انتقاد جدی به برخی از اقدامات دستگاه سیاست خارجی در طول سال‌های اخیر دارم، اما در چند ماه گذشته به خصوص با اوج گرفتن مسئله تنش نظامی آمریکا، نوع مواضع و رفتارهای محمدجواد ظریف توانست تمام برنامه‌های کاخ سفید را خنثی کند. در این راستا من معتقدم که باید اختیار و توان عمل بیشتری به وزیر امور خارجه، به خصوص در مذاکرات با اروپایی ها داد. چون اکنون تمام جامعه جهانی منتظر خروجی مناسبات ایران و اروپا هستند. حتی قدرت‌های مانند چین و روسیه هم مطابق با خروجی سه کشور اروپایی عمل می‌کنند. پس اگر ایران واکنش های خود را مطابق با این نگاه دستگاه سیاست خارجی پیش ببرد آمریکا هیچ برگ برنده ندارد. ولی اگر ایران بخواهد با واکنش تندی نشان دهد احتمال هرگونه سوء استفاده وجود دارد، خصوصا اینکه ایالات متحده آمریکا منتظر کوچکترین اشاره گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای حکام است تا دوباره پرونده ایران به کانال شورای امنیت باز می‌گردد.

پس من معتقدم در عین حالی که سفر هایکو ماس و آبه شینزو فاقد رزش دیپلماتیک به ویژه در حوزه میانجگری بود، اما می تواند نقطه عطفی در تنش ایران و ایالات متحده آمریکا قلمداد شود. بدین ترتیب که تا پیش از این سفر ادبیات آمریکا و افزایش تنش با ایران به سود تهران بود، اما بعد از این سفرها اگر تنش‌ها تداوم پیدا کند، چندان به سود ایران نخواهد بود، چرا که اکنون آمریکا با هوشمندی بیشتری رفتار خواهد کرد. پس اگر ما خود را کماکان مخالف هرگونه مذاکره و فعالیت‌های دیپلماتیک نشان دهیم و در ادامه به سمت عملیاتی کردن گام‌های جدی تری مانند افزایش سطح غنی سازی پیش رویم، شرایط برای اجماع علیه ایران شکل داده‌ایم. لذا هرگونه اقدام و مواضع ایران باید در چارچوب برجام باشد، اگرچه من به شدت موافق هستم باید تهران هشدارهای جدی را به اروپا و آمریکا مخابره کند، اما کاهش سطح تعهدات هسته‌ای برجامی، به خصوص بعد از ۱۸ تیرماه شرایط حساسی را برای کشور رقم می‌زند.

اخبار

آلمان درباره تنش در منطقه خلیج‌فارس هشدار داد

دولت آلمان در واکنش به تحولات اخیر در ارتباط با انفجار نفتکش‌ها در دریای عمان، در زمینه تشدید تنش‌ها در منطقه هشدار داد.

اولریکه دمر معاون سخنگوی دولت آلمان در این مورد ضمن ابراز نگرانی شدید گفت: باید از هر گونه اقدامی که به تشدید تنش در منطقه منتهی می‌شود، خودداری شود. تحت هیچ شرایطی ما نباید شرایط را بحرانی کنیم. یکی از سخنگویان وزارت خارجه آلمان هم گفت:هر حمله به کشتی‌ها، خطر برای تردد جهانی کشتی‌ها و علاوه بر آن خطری برای صلح است. **باشگاه خبرنگاران**

ادعای وزیر امارات علیه ایران

وزیر خارجه امارات همگام با آمریکا و عربستان سعودی و بدون هرگونه مدرک و دلیلی، ایران را به دست‌داشتن در حادثه حمله به چهار نفتکش در بندر الفجیره متهم کرد.

عبدالله بن زاید در عین حال ادعای ضدایرانی خود را نقض کرد و افزود: ما هنوز مدارک کافی علیه کشوری خاص درباره حمله به تانکرهای نفت در الفجیره به دست نیاورده‌ایم.

بن‌زاید اظهار داشت، جامعه جهانی باید برای حمایت از ناوبری و ایمن بودن حمل‌ونقل انرژی همکاری کند.

وزیر خارجه امارات افزود: ما می‌خواهیم که جریان (انتقال) نفت از طریق گذرگاه‌ها به‌صورت امن انجام شود تا اقتصاد جهانی ثبات داشته باشد. بن‌زاید ادامه داد: عدم مشارکت کشورهای منطقه در توافق هسته‌ای با ایران اشتباه است. **ایرنا**

از نگاه دیگران

سیاست فاقد استراتژی واشنگتن در قبال تهران

یک روزنامه اتریشی در مطلبی با اشاره به اینکه ویدئوی آمریکا برای متهم کردن ایران در دست داشتن در انفجار نفتکش‌ها در دریای عمان گنگ و مبهم است سیاست ترامپ در قبال ایران را فاقد استراتژی دانست.

روزنامه اتریشی "استاندارد" در مطلبی با دید انتقادی به سیاست ترامپ در قبال ایران پرداخته و نوشت: بعد از انفجار دو نفتکش در دریای عمان آمریکا، ایران را به عنوان متهم ارزیابی کرده و این ایده او از طرف انگلیس هم مورد حمایت قرار گرفته است.

نویسنده در ادامه با اشاره به ویدئوئی که آمریکا برای متهم کردن ایران در دست داشتن انفجار نفتکش ها در دریای عمان منتشر کرده است آن را ویدئویی با تصاویر مبهم و نامشخص ارزیابی کرد.

آمریکا با انتشار ویدئویی که ظاهراً قایقی را در حال جدا کردن یک مین دریایی (به‌زعم آمریکایی‌ها) از یکی از نفتکش‌های حادثه‌دیده نشان می‌دهد، مدعی شده است که این قایق ایرانی بوده و به‌منظور پاک کردن رد پای ایران در این حادثه به محل اعزام شده است.

روزنامه استاندارد در ادامه این پرسش را مطرح می‌کند که آیا این‌ها تصاویری تبلیغاتی و یا سند و مدرک هستند؟ به گفته وزیر امور خارجه آمریکا در این ویدئو گناهکار مشخص است و بر اساس ارزیابی آمریکا، ایران برای حمله به این نفتکش‌ها مسئول است.

نویسنده در ادامه به حمایت انگلیس از این ایده آمریکا بدون ارائه هیچ گونه دلیل و مدرکی اشاره کرده و نوشت: آنچه که تا کنون دیده شده یک رویکرد زیگ زاگی از طرف قدرت اجرایی آمریکا است.

در اوایل ماه می آمریکا ناو هواپیمابر آبراهام لینکن خود را در خلیج فارس مستقر کرد. جان بولتون، در مسئولیت مشاور امنیت ملی آمریکا این تصمیم ایالات متحده را اعلام کرد و این روندی غیر متداول بود و حدس و گمان‌هایی را ایجاد کرد مبنی بر اینکه بولتون سیاست آمریکا در قبال تهران را تعیین می کند. اما کمی بعد ترامپ لحنی آشتی و صلح آمیز را از خود نشان داده که نه تنها او را از رویکرد مشاور امنیتی‌اش جدا نشان می‌داد بلکه مسخره اینجاست که از آمادگی خود برای مذاکرات خبر داد.

ترامپ در اواخر ماه می در دیداری در توکیو اعلام کرد که خواهان تغییر نظام در ایران نبوده و آنچه که وی برای آن تلاش می کند انصراف ایران از دستیابی به تسلیحات اتمی است.

در ادامه این مطلب آمده است اگر ترامپ با خروج خود از توافق هسته‌ای و روی آوردن به تحریم‌ها می‌خواسته راه برای یک توافق گسترده تر را هموار کند کور خوانده است و محاسباتش غلط بوده است.

ویلیام برنز، سرپرست تیم مذاکره کننده آمریکا در مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ و دیپلمات کهنه کار آمریکایی درباره عواقب قابل پیش بینی یک استراتژی که تنها بر مبنای فشار تحریم‌ها و نه دیپلماسی ساخته شده، هشدار داده است. **تسنیم**

روزنامه سیاست روز تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۰۰۶۹۶۹